

- سه‌شنبه ۳ تیرماه ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۵۰**

سپهرغرب، گروه فرهنگی – سمیرا گمار: در میانه تنش‌های بی‌سابقه و التهاب ناشی از درگیری نظامی میان ایران و رژیم کودک‌کش صهیونیستی، صدای تازه‌ای شنیده می‌شود؛ صدای دعوت به «عادی زندگی کردن»؛ نه از سر بی‌تفاوتی، بلکه همچون مقاومتی مدنی، اخلاقی و آگاهانه. پژوهشگر و فعال فرهنگی، این رویکرد را نه عقب‌نشینی، بلکه نوعی حضور در خط مقدم جنگ روانی می‌خواند؛ آن‌گاه که هدف دشمن، فروپاشی روانی جامعه است، نه صرفاً تخریب زیرساخت‌ها.

در عصر نبردهای ترکیبی و جنگ‌های چندلایه، مرز میان میدان نبرد و زندگی روزمره به طرز چشم‌گیری کمرنگ شده و دیگر «جنگ» صرفاً در جبهه‌های با سنگر و سلاح و سرباز معنا نمی‌یابد. میدان نبرد به درون خانه‌ها، ذهن‌ها، روان‌ها و سبک زندگی مردم نفوذ کرده و دشمنی که روزگاری در مرزها متوقف می‌شد، اکنون از پنجره اخبار، شبکه‌های اجتماعی، ترندهای رسانه‌ای و فضای ذهنی مردم نفوذ می‌کند. در چنین شرایطی، تصور رایج از مشارکت در دفاع ملی به چالشی اساسی کشیده می‌شود، آیا شهروندی که سلاحی در دست ندارد و در خط مقدم حضور فیزیکی ندارد، می‌تواند «زرمند» باشد؟

باسخ این پرسش در نگاه و تحلیل محمدرضا جوان‌آراسته، فعال فرهنگی و تحلیل‌گر اجتماعی، به طرز غافل‌گیرکننده‌ای روشن و قاطع است؛ بله. حتی بیشتر از آن، گاه همین شهروند عادی، با حفظ زندگی روزمره‌اش، نقشی راهبردی‌تر از یک سرباز ایفا می‌کند.

این دیدگاه، در واکنش به وضعیت فعلی منطقه و کشور شکل گرفته؛ روزهایی که تنش‌های امنیتی، سایه جنگ و تهدیدهای رسانه‌ای و روانی به اوج رسیده و همزمان، بسیاری از مردم با این پرسش مواجه‌اند که «سهم من در این شرایط چیست؟» آراسته از دل همین پرسش، الگویی نو برای مشارکت مدنی و مقاومت ملی ترسیم می‌کند؛ الگویی که در آن، «ادامه دادن عادی‌ترین بخش‌های زندگی» نه فقط بی‌اهمیت یا خنثی

نیست، بلکه دقیقاً ترجمه‌ای عملی از ایستادی و مشارکت در جبهه ملی است. این نگاه مبتنی بر یک اصل راهبردی است؛ هدف اصلی دشمن در جنگ‌های نوین، بیش از نابودی زیرساخت‌ها، تخریب روحیه‌ها و تضعیف انسجام اجتماعی است. وقتی دشمن نه صرفاً به خاک که به حافظه جمعی، روان عمومی و امید اجتماعی یک ملت حمله می‌کند، طبیعی است که مهم‌ترین پادزهر آن، نه فقط موشک که لبخند است. نه صرفاً راهبرد نظامی که حفظ روال عادی زندگی است. نه فقط تجهیزات که ایمان، شناخت و آگاهی عمومی است.

در چنین وضعیتی که خطوط جبهه نامشخص بوده و در دسترس نیست، حفظ زندگی عادی، مقاومتی است عملی و تعیین‌کننده.

این فعال فرهنگی در گفت‌گویی پیش رو ضمن ارائه تحلیلی روشن از وضعیت اجتماعی کشور، به طراحی یک نقشه راه فرهنگی– روانی برای مشارکت مردم در شرایط بحرانی می‌پردازد. او با تلفیق نگاهی دینی، فرهنگی و واقع‌گرایانه، از مردم دعوت می‌کند تا زندگی‌شان را به سنگری آرام اما حیاتی در خط مقدم مقاومت تبدیل کنند. این گفتگو نه صرفاً یک تحلیل اجتماعی، بلکه فراخوانی عمومی برای ایستادگی هوشمندانه و باکیفیت است؛ دعوتی برای آن‌که بفهمیم حتی اگر توپ و تفنگ در دست‌مان نباشد، می‌توانیم

مؤثر باشیم. مشروط بر آن‌که بفهمیم جنگ کجاست، دشمن کیست و سهم ما چیست؟ ■ ابزارهای ساده مقاومت در روزهای پرچالش این فعال فرهنگی تصویری متفاوت از نقش شهروندان در جنگ امروز ارائه داد و گفت: این جنگ فقط به میدان‌های نبرد نظامی محدود نمی‌شود، بلکه جبهه‌های آن به قلب زندگی روزمره مردم رسیده است. محمدرضا جوان‌آراسته تأکید کرد: سهم هر فرد در این شرایط نه لزوماً حضور در جبهه‌های نظامی، بلکه حفظ جریان عادی زندگی است. وی از زاویه‌ای تازه نگاه کرد و افزود: در دوره‌ای که فناوری‌های نوین مانند جنگ الکترونیک، پهپادهای ریزپرنده و موشک‌های دوربرد، میدان نبرد را متحول کرده‌اند، تعریف جنگ نیز دگرگون شده. جنگ اکنون نه‌تنها در میدان‌های نظامی، بلکه در ذهن، روان و عادات روزمره مردم جریان دارد. در چنین وضعیتی که خطوط جبهه نامشخص و در دسترس نیست، حفظ زندگی عادی، مقاومتی است عملی و تعیین‌کننده.

وی به نگرانی عمیق خود از احساس ناآرامی در این روزهای حساس اشاره کرد و گفت: ترس از اینکه مردم در حساس‌ترین برهه‌های تاریخ خودشان ندانند چگونه در آن سهمیم باشند و صرفاً منفعل بمانند، مسئله مهمی است. ما نباید گمان کنیم اکنون که دستان از پیگیری و تحلیل اخبار خالی‌ست، هیچ فایده‌ای نداریم و غرق در اضطراب و ترس این روزها شویم.

این فعال اجتماعی، تأکید کرد: دشمن بیش از تخریب فیزیکی، به دنبال تخریب ذهن و روح مردم است و تلاش می‌کند با جنگ روانی و رسانه‌ای، ترس، ناامیدی و تفرقه ایجاد کند.

از دید جوان‌آراسته تماشای فیلم با خانواده، رفتن به پارک، برگزاری مهمانی‌های خانوادگی، حفظ روابط اجتماعی، سر کار رفتن و خریدهای روزمره، همه نوعی مقاومت است که دشمن را ناکام می‌گذارد و روحیه ملی را تقویت می‌کند.

فرهنگی

محمدرضا جوان‌آراسته مطرح کرد:

ایستادن بالبخند؛ مقاومت مدنی در دل زندگی روزمره

امروز سهم هر فرد، حفظ روال عادی زندگی‌ست

وی ادامه داد: این‌نگاه، جنگ را از یک میدان تیراندازی محدود، به صحنه‌ای گسترده‌تر از فرهنگ، روان و جامعه می‌برد. این نویسنده تصریح کرد: حفظ این آرامش و ثبات روانی در مردم، به نیروهای نظامی و امنیتی کشور قدرت و پشتوانه بیشتری می‌دهد. این مدل نگاه، اهمیت هر شهروند را در معادله اقدام نظامی، نقش مردم را به‌عنوان بازیگر اصلی حفظ ثبات و امنیت می‌داند.

وی فراتر از این دیدگاه، توصیه‌های عملی و قابل اجرا ارائه داد که می‌تواند نقش هر فرد را در جنگ روانی و فرهنگی برجسته‌تر کند. وی تأکید کرد: در چنین شرایط بحرانی، هر رفتار ساده و روزمره می‌تواند معنای ژرف و کارکردی مشابه فعالیت نیروهای ویژه در میدان نبرد داشته باشد.

■ جمله‌مهم‌ترین نکات این تحلیل، نقش زبان بدن و ابراز آرامش است
این نویسنده در ادامه بیان کرد: لبخند زدن، حفظ آرامش در چهره و رفتاری که به دیگران احساس اطمینان و دلگرمی بدهد، می‌تواند موجب کاهش استرس و اضطراب جمعی شده و جامعه را از فروپاشی روانی نجات دهد. این نکته حاکی از آن است که مقاومت در برابر جنگ روانی دشمن نیازمند هوشیاری و کنترل بر رفتارهای کوچک اما تأثیرگذار اجتماعی است.
■ جوان‌آراسته اظهار کرد: از سوی دیگر، مدیریت مصرف و خرید منطقی، واکنشی هوشمندانه به فضای ترس و اضطراب است که دشمن می‌کوشد با ایجاد حس کمبود و قحطی، مردم را به سمت احتکار و خودخواهی سوق دهد.
وی با تأکید بر وجود منابع کافی در کشور، گفت: مقابله با جنگ روانی مستلزم حفظ

همبستگی اجتماعی و جلوگیری از تخریب روانی ناشی از طمع و ترس است.
این پژوهشگر مسائل فرهنگی همچنین نقش آگاهی‌بخشی در شناخت دشمن را مهم دانست و به مردم پیشنهاد داد که با مطالعه مستندات و منابع مختلف، نسبت به تهدیدات رژیم کودک‌کش صهیونیستی شناخت پیدا کنند، این موضوع نه‌تنها باعث افزایش درک سیاسی و امنیتی می‌شود بلکه مقاومت فرهنگی و روانی جامعه را افزایش می‌دهد.
■ جوان‌آراسته ادامه داد: در کنار این موارد، توجه به جنبه‌های معنوی و توسل به خداوند و اهل‌بیت به‌عنوان پشتوانه‌ای معنوی و روحی مهم است. این نگاه معنوی نشان می‌دهد که بخشی از مقاومت در برابر جنگ، پشتوانه ایمان و باورهای عمیق مردم است که در تاریخ و تجربه‌های قبلی جنگ‌های منطقه نظیر جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و رژیم منحوس صهیونیستی نیز نقش کلیدی داشته است.

وی درنهایت، با دعوت به فعالیت مثبت در فضای مجازی و حضور در جمع‌های واقعی، بر اهمیت ایجاد و حفظ پیوندهای اجتماعی و فرهنگی تأکید کرد و گفت: این نکته نشان می‌دهد که مقابله با جنگ‌های نوین فقط مسئله فردی نیست بلکه نیازمند کار جمعی، هماهنگ و مستمر است.
این تحلیل‌گر مسائل اجتماعی هشدار داد: تهدید اصلی نه‌فقط از بیرون، بلکه از درون نیز می‌تواند جامعه را تضعیف کند. اختلافات داخلی و نفاق اجتماعی، زمینه را برای نفوذ دشمن فراهم می‌کند؛ بنابراین، حفظ وحدت و آگاهی نسبت به این آسیب‌ها، بخشی حیاتی از مقاومت است.

■ جوان‌آراسته در جمع‌بندی دیدگاه خود، عادی زندگی کردن را نقشه راهی مهم برای شهروندان خواند که در دنیای پیچیده امروز، بدون برداشتن سلاح، می‌توانند در جنگی که بر سر ذهن و جان مردم است، پیروز شوند و سخنان خود را به پایان برد.

مصطفی رحماندوست؛

چطور به بچه‌ها از وطن بگویم؟

زندگی خودمان را می‌کنیم.
این شاعر درباره اینکه مفهوم وطن را چگونه می‌توانیم به کودکان منتقل کنیم و آن‌ها را با این مفهوم آشنا کنیم، توضیح داد؛ خانه، خانه بهترین تمثیل وطن است. زکریا تامر، نویسنده عرب، کتابی دارد به نام «خانه»). او در این کتاب نوشته مرغ خانه دارد و اسم خانه آن «الانه» است، پرنده خانه دارد و اسم خانه آن «الشیانه» است و همین‌طور جلمی‌آید و در انتها می‌نویسد اما فلسطینی‌ها خانه ندارند زیرا خانه آن‌ها را دیگران اشغال کرده‌اند. او خیلی خوب توانسته مفهوم وطن را در آن کتاب بگوید. این کتاب به بیش از ۶۰ زبان ترجمه شده‌است.
رحماندوست خاطرنشان کرد: بهترین مفهوم

برای نشان دادن وطن، مفهوم خانه است؛ زیرا کودک چارچوب خانه را می‌بیند، حضور آرام‌بخش پدر و مادر و خواهر و برادرش را در آنجا حس می‌کند و این را که کسی به‌زور وارد خانه می‌شود، می‌فهمد. من این‌گونه حس می‌کنم و حرفم، حرف تخصصی‌ای نیست.
او سپس بیان کرد: ما در آغاز انقلاب اشتباهی کردیم که اثراتش را الان می‌توان دید؛ آن زمان می‌گفتند کسانی که از دنیا رفته‌اند، پیش خدا رفته‌اند. همان زمان هم می‌گفتیم که اینطور خدا در دل کودکانی که پدر و مادرشان را از دست داده‌اند، نامهربان می‌شود. یا می‌گفتند رفته‌اند بهشت، که باز بهشت کمی بهتر بود. الان تأثیرات

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛
مصطفی رحماندوست با بیان اینکه مسئله وطن بسیار مهم است می‌گوید: بهترین مفهوم برای نشان دادن وطن، مفهوم خانه است.

این شاعر و نویسنده مطرح کودکان و نوجوانان درباره اینکه در این روزها، ادبیات چطور می‌تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند، با بیان اینکه این کار تخصصی است، اظهار کرد: باید یک متخصص بگوید زمانی که بلای عمومی نازل می‌شود در وهله نخست ما پدر و مادرها چگونه خودمان را آرام کنیم و در مرحله بعد چگونه با کودکانمان برخورد کنیم. اینکه برای کودکان می‌نویسم دلیل بر این نمی‌شود که

متخصص آرامش‌بخشی به کودکان هم باشیم؛ اما برای نوه‌ها و اطرافیان خودم بازی کردن و قصه گفتن را انتخاب کرده‌ام، منتها به نحوی که تغییرات را دریابند و اینکه چه اتفاقی افتاده که مثلاً خانواده‌ها دور هم جمع شده و یک‌جا زندگی می‌کنند، می‌گویند و می‌خندند.
او سپس گفت: مسئله وطن خیلی مهم است؛ رژیم غاصب قصاب بچه‌کش به آزادی‌ها، به بازی‌ها، به شادی‌ها و به کتاب‌های بچه‌ها حمله کرده است و این را می‌توان در قالب تمثیل و داستان گفت؛ اما باید داستان را به این نقطه برسانیم که ما برنده‌ایم زیرا نشسته‌ایم و داریم قصه‌ها و شعرهای خودمان را می‌خوانیم و

این صورت بچه‌ها به تبعیت از والدین دچار ترس و اضطراب می‌شوند و آسیب خواهند دید. این نویسنده با بیان این‌که برای هر گروه سنی در خانواده باید راهکاری متفاوت اندیشید، گفت: سی و اندی سال از جنگ تحمیلی گذشته است.

ما آن زمان شاهد بمباران و موشک باران رژیم بعثی بودیم. بچه‌های آن دوران اکنون صاحب فرزند شده‌اند و ما که آن زمان صاحب فرزند بودیم، امروز صاحب نوه هستیم. پدران، مادران، مادرزبیرگ‌ها و پدرزبیرگ‌ها باید با حفظ آرامش، شرایط را مدیریت کنند.

عمیق افزود: در مورد حمله‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل به خاک کشور می‌توان به طور منطقی با نوجوانان صحبت کرد اما برای کودکان نمی‌توان از موشک باران و بمباران هویت ذهن آن‌ها چنین ظرفیتی ندارد. با طرح موضوع

جنگ برای کودکان آن‌ها دچار پرسش‌های پی‌درپی می‌شوند، نمی‌توانند قضیه را درک کنند و همین باعث اضطراب و ترس آن‌ها خواهد شد. وی با بیان این‌که در چنین شرایطی می‌توان از کتاب کمک گرفت، گفت: کتاب‌خوانی برای رده‌های سنی مختلف، متفاوت است. بخشی از آن بلندخوانی است که ویژه کودکان است. نوجوانان که سواد خواندن و نوشتن دارند، می‌توانند خودشان کتاب بخوانند. بهتر است در این شرایط پدر و مادر در کتاب‌خوانی سهیم شوند. می‌توان دو داستان را انتخاب کرد. پدر یک داستان را برای یک فرزند و مادر داستانی را برای فرزند دیگری بخوانند.

وی ادامه داد: بعد از پایان داستان از بچه‌ها سؤال و به آن‌ها جایزه داده شود. ببینیم بچه‌ها چه درک و نتیجه‌گیری از داستان داشتند. حتی

نقش‌آفرینی هنرمندان در مواجهه با تهاجم به هویت ایرانی

هیچ‌گاه به آرزویش نرسید.
وی ادامه داد: این ویژگی بسیار درخشانی است که ایران دارد؛ یعنی مردمی که ملت یکپارچه هستند. ملت با عناصر دیگری مانند ایمان به خدا و سنت الهی نیز پیوند دارد. لذا ما خود را پیروز می‌دانیم، زیرا قدرت خداوند، برتر از هر قدرت دیگری است. در این اتفاق هم امید داریم که دوباره ملت ایران، پیروز میدان خواهد بود.

رئیس سابق حوزه هنری با تأکید بر نقش اهالی فرهنگ و هنر در برهه کنونی، گفت: اهالی ادب و هنرمندان، به‌عنوان نمودی از ویژگی‌های مثبت ملت خود، نقش ممتازی در بسیج افکار عمومی دارند و از این نقش منحصربه‌فرد خود، به‌خوبی استفاده می‌کنند. هنرمندان به‌عنوان پاسداران هویت ملت خود، می‌دانند که هویت ایرانی و هستی

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛
بازیگر سوری – لبنانی در ستایش از شجاعت مردم ایران در مقابل تهاجم رژیم صهیونی گفت: وقتی انسان این‌ها را می‌بیند، ایمانش به خدا بیشتر می‌شود. مهدی شیخ‌عیسی اظهار کرد: در این روزها چقدر به خودم گفتم و بالیدم که خوش به حال ایران، چنین مردمانی دارد؛ آن‌قدر قدرتمند، دایمیکر شجاع و با عزت، کرامت و آنقدر غیور. وی افزود: وقتی آدم این همه قدرت از ایران را می‌بیند باتولیدملی، بازهم تاکیدی‌کنم‌که‌بعداین همه تحریم‌های ظالمانه، هنوز هم شجاعت‌مندان‌ه ایستاده‌وبادین‌این‌ها، آدم‌ایمانش به‌خدا بیشتر ومطمئن می‌شودکه هیچ‌وقت‌نیاید به‌خودمان و قدرتی‌که داریم، شک‌نداشته‌باشیم.

این بازیگر سوری– لبنانی گفت: خداوند را شکر می‌کنم که آن روز فرا رسید و دل همه مظلومان عالم خنک شد. امروز تحقق وعده

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛
بازیگر سوری – لبنانی در ستایش از شجاعت مردم ایران در مقابل تهاجم رژیم صهیونی گفت: وقتی انسان این‌ها را می‌بیند، ایمانش به خدا بیشتر می‌شود. مهدی شیخ‌عیسی اظهار کرد: در این روزها چقدر به خودم گفتم و بالیدم که خوش به حال ایران، چنین مردمانی دارد؛ آن‌قدر قدرتمند، دایمیکر شجاع و با عزت، کرامت و آنقدر غیور. وی افزود: وقتی آدم این همه قدرت از ایران را می‌بیند باتولیدملی، بازهم تاکیدی‌کنم‌که‌بعداین همه تحریم‌های ظالمانه، هنوز هم شجاعت‌مندان‌ه ایستاده‌وبادین‌این‌ها، آدم‌ایمانش به‌خدا بیشتر ومطمئن می‌شودکه هیچ‌وقت‌نیاید به‌خودمان و قدرتی‌که داریم، شک‌نداشته‌باشیم.

این بازیگر سوری– لبنانی گفت: خداوند را شکر می‌کنم که آن روز فرا رسید و دل همه مظلومان عالم خنک شد. امروز تحقق وعده

سپهرغرب، گروه فرهنگی؛
بازیگر سوری – لبنانی در ستایش از شجاعت مردم ایران در مقابل تهاجم رژیم صهیونی گفت: وقتی انسان این‌ها را می‌بیند، ایمانش به خدا بیشتر می‌شود. مهدی شیخ‌عیسی اظهار کرد: در این روزها چقدر به خودم گفتم و بالیدم که خوش به حال ایران، چنین مردمانی دارد؛ آن‌قدر قدرتمند، دایمیکر شجاع و با عزت، کرامت و آنقدر غیور. وی افزود: وقتی آدم این همه قدرت از ایران را می‌بیند باتولیدملی، بازهم تاکیدی‌کنم‌که‌بعداین همه تحریم‌های ظالمانه، هنوز هم شجاعت‌مندان‌ه ایستاده‌وبادین‌این‌ها، آدم‌ایمانش به‌خدا بیشتر ومطمئن می‌شودکه هیچ‌وقت‌نیاید به‌خودمان و قدرتی‌که داریم، شک‌نداشته‌باشیم.



■ زندگی به وقت جنگ؛ سنگرهایی به وسعت خانه و خیابان
در پایان باید گفت: در دوران جنگ‌های شناختی و هیبریدی، جایی که دیگر سلاح‌ها تنها ابزار نبرد نیستند و رسانه‌ها، شایعات، اضطراب عمومی و فشار روانی بخشی از زرادخانه دشمن می‌شود، خنثی‌سازی دشمن به حفظ انسجام ملی، حیاتی‌تر از هر زمان دیگری شده است. آنچه در این گفت‌وگو به آن پرداختیم ترجمه‌ای روشن از این واقعیت نوین است که زندگی عادی، لبخند، خرید متعادل، گفت‌وگو، تعامل اجتماعی، مشارکت در فضای مجازی و حتی پارک رفتن با خانواده، خود می‌تواند کنشی سیاسی و اقدامی جهادی تلقی شود.

آراسته از زاویه‌ای متفاوت به جنگ می‌نگرد؛ نه صرفاً از دریچه درگیری فیزیکی، بلکه از پنجره ذهن‌ها، احساس‌ها و رفتارهای روزمره. از نگاه او، پیروزی نهایی زمانی رقم می‌خورد که جامعه، حتی در روزهای پرتنش، دچار فروپاشی روانی، ترس، آشفتگی و بی‌نظمی نشود. آن چه دشمن را از پیشروی بازمی‌دارد، نه‌فقط قدرت تسلیحاتی که روحیه جمعی و حفظ هویت ملی در بطن زندگی عادی مردم است.

این نگاه، الگویی نو از مشارکت را پیش روی ما می‌گذارد؛ الگویی که نه نیازمند دستورالعمل‌های دولتی و نه وابسته به ابزارهای خاص است. کافی است هر فرد، گوشه‌ای از زندگی خود را سنگر بداند، وظیفه‌اش را بشناسد و با امید، آگاهی و آرامش در همان جایگاه کوچک، بزرگ‌ترین نقش را ایفا کند.

در روزهایی که روایت‌ها و تصویرهای رسانه‌ای تلاش دارند فضای عمومی را تسلیم اضطراب و بی‌ثباتی کنند، چنین نگاهی، خود، نوعی مقاومت است؛ مقاومتی از جنس آرامش، تعهد مدنی و ایمان. درست همان جایی که هدف جنگ روانی از هم پاشیدن ماست، ما با لبخند، دعا، دانش و عادی زیستن، دوباره به هم گره می‌خوریم. این یعنی جنگ هنوز تمام نشده، اما ما ایستاده‌ایم.

مصطفی رحماندوست؛

ستایش شجاعت مردم ایران از زبان بازیگر سوری– لبنانی

الهی را با چشمانمان شاهدیم.
شیخ‌عیسی اظهار کرد: خداوند فرموده که «یا ایها الذین آمنوا، آن‌تنصروا الله ی نصرکم») و امروز معنای این آیه قرآنی را قشنگ فهمیدم. وی ادامه داد: اگر کسی می‌خواهد با آبرو زندگی کند و قدرت و شجاعت را یاد بگیرد، باید مردم ایران را ببیند.

بازیگر فیلم قلب رقه گفت: خوشحالم که در این روزها در ایران سر فیلمبرداری هستم و با چشمان خودم شاهدیم این همه شجاعت و غرور را در میان مردمان ایران.

شیخ‌عیسی افزود: جان‌ناقابلی دارم فدای ایران و مردم ایران می‌کنم. با وجود این که ایرانی نیستم اما قلبم به عشق ایران می‌تپد. بامداد روز جمعه ۲۳ خرداد، در پی حمله تروییستی رژیم صهیونی به تهران و تعدادی از شهرهای کشور، شماری از فرماندهان نظامی،

دانشمندان ومردم غیرنظامی به‌شهادت‌رسیدند.

به‌دنبال این جنایت رژیم صهیونیستی، رهبر انقلاب، جمعه‌شب، در یک پیام تلویزیونی تأکید کرد:دشمن‌های مسلح، رژیم‌رذل صهیونی را بیچاره خواهند‌کرد‌وبه‌امید‌خدا با‌قدرت‌عمل، زندگی‌برای آن‌هاتلاخ‌خواهد‌شود‌وآ‌ن‌ها‌ماماشات‌نخواهد‌شد.